

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه علمی معنویت‌پژوهی

شماره دوم؛ پاییز و زمستان ۱۴۰۲

صاحب‌امتیاز: پژوهشکده مطالعات معنوی

مدیرمسئول و سردبیر: حمیدرضا مظاهری سیف

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: سید رضا سجادی

ویراستار: گروه ویراستاری

طراح جلد و صفحه‌آرا: مجید گودرزی

شمارگان: ۲۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

اعضای تحریریه: علی عابدکمالی، حمیدرضا مظاهری سیف

آدرس: قم بلوار بهشت بعد از بوستان جنت پلاک ۹۵ واحد ۳۰۹

کد پستی: ۳۷۱۶۹۶۳۴۳۱

تلفن: ۰۲۵۳۲۴۰۰۸۸۷

آدرس سایت پژوهشکده: www.spiritualitystudies.ir

ویژه‌نامه آینده معنوی جهان

- ۴.....ویژه‌نامه آینده معنوی جهان
- ۴.....سرمقاله
- ۶.....قدرت تصویرسازی از آینده
- ۸.....نقش تصاویر آینده در تغییرات اجتماعی
- ۱۰.....هویت آفرینی تصاویر آینده
- ۱۲.....تصویر معنوی از آینده
- ۱۳.....ساخت تصاویر آینده
- ۱۵.....نقش رسانه‌ها در ساخت تصاویر آینده
- ۱۶.....جمع‌بندی
- ۱۸.....تصویر آینده از دیدگاه معنویت‌گرایی غربی
- ۱۹.....تفکر نوین
- ۲۰.....معنویت تفکر نو
- ۲۲.....تصویر آینده در چشم‌انداز تفکر نوین
- ۲۳.....معنویت جدید و نظام بین‌الملل
- ۲۶.....جمع‌بندی
- ۲۸.....تصویر آینده از چشم‌انداز انقلاب اسلامی
- ۲۹.....شگفتی‌سازی انقلاب اسلامی
- ۳۱.....تصویر آینده در کلام رهبران انقلاب
- ۳۳.....جمع‌بندی

۳۴ رویارویی تصاویر آینده
۳۵ محوریت خدایا محوریت انسان
۳۶ ظهور قدرت انسان یا ظهور منجی
۳۷ سیر تاریخ حیات اجتماعی بشر
۳۷ مبارزه در میدان تصاویر آینده
۳۹ جمع‌بندی

سرمقاله

رفتارهای انسان بر اساس تصاویر ذهنی شکل می‌گیرد. ما بر اساس تصویری که از خودمان، از محیط، از نتایج کارها و پیامد شرایط موجود داریم، تشخیص می‌دهیم، تصمیم می‌گیریم و رفتار می‌کنیم. تبعیت رفتار از تصاویر ذهنی به رفتارهای شخصی محدود نمی‌شود. رفتارهای جمعی نیز بر اساس تصورات مشترک بشری پدید می‌آید. مردم یک جامعه در روابطی که با هم دارند، تصاویر ذهنی‌شان را به اشتراک می‌گذارند و همین تصاویر جمعی از محیط و از نتایج اقدامات و پیامد شرایط موجود، موجب شکل‌گیری رفتارهای جمعی می‌شود. تصاویری که بر رفتارهای ما تأثیر می‌گذارند، بخشی مربوط به وضع موجود هستند و بخشی دیگر تصویری است که ما از آینده و پیامدهای شرایط موجود و نتایج اقدامات و رفتارهایمان داریم. اگر تصور کنیم که رفتاری خاص موجب خطر است، از آن پرهیز می‌کنیم، اگر تصور کنیم که رفتاری دیگر سبب رسیدن به منافع است، اراده‌ ما بر انجام آن رفتار تعلق می‌گیرد. رفتار فردی و جمعی انسان‌ها بر اساس تصاویری که از آینده دارند، شکل می‌گیرد.

امروزه یکی از مهم‌ترین راه‌های کنترل و رهبری جوامع بشری تصویرسازی برای آنهاست. کسی که می‌تواند تصاویری همسو با اهداف خودش را برای مردم خلق کند، رفتار مردم را در جهت اهدافش شکل می‌دهد و در واقع بر آنها حکومت می‌کند. اشراف بر تصاویر ذهنی مردم یکی از ارکان امنیت ملی است و ناآگاهی از تصاویر ذهنی مردم تهدید امنیتی بسیار پرخطری است. تهدید بزرگ‌تر این است که نتوانیم تصاویر ذهنی مردم را هماهنگ با ارزش‌ها و باورهایی که منافع کشور را تأمین می‌کند، سامان دهیم. حکومتی که نمی‌داند مردمش چه تصویری دارند و «دیگری» تصورات ذهنی مردمش را می‌سازد، در واقع بر مردم حکومت نمی‌کند و اقتداری ندارد. از این‌رو هر گونه که از قدرت استفاده کند، در افکار عمومی نامشروع تلقی می‌شود. سازمان‌های امنیتی باید به دانش و امکاناتی مجهز شوند که بتوانند تصاویر ناامن‌ساز جامعه را شناسایی و از گسترش آن پیشگیری کنند.

همچنین یکی از مهم‌ترین کارکردهای دولت توانایی خلق و به‌اشتراک‌گذاری تصاویر امنیت‌آفرین و هماهنگ با منافع ملی در افکار عمومی ملت است.

تصاویر، حاصل شناخت انسان از خود و محیط است. تصویرهایی که انسان‌ها برای خود یا دیگران می‌سازند، موجب جهت‌دادن به رفتار و کنش‌های افراد می‌شود. اینکه ما چه چیزی را در محیط پیرامون می‌بینیم و چه چیز را نمی‌بینیم، اینکه دیده‌ها و ندیده‌ها را چطور تفسیر می‌کنیم و از آنها چه نتیجه‌ای می‌گیریم و اینکه چه اجزائی از تصورات در ذهن ما به انسجام می‌رسد و آن کل منسجم چه معنا و مفهومی برای ما دارد، همه‌وهمه موضوعاتی است که در قلمرو تحلیل تصاویر می‌گنجد و ابعاد سیاسی و امنیتی بسیار جدی پیدا می‌کند. تصاویر ذهنی به دو بخش مهم تقسیم می‌شوند. یکم، تصویری که از گذشته یا اکنون داریم؛ به آنچه بوده و هست مربوط می‌شود. دوم، تصویری که از آینده داریم و به آنچه خواهد بود مربوط می‌شود. در مجموع این دو گونه تصاویر شناخت ما از خود و جهان پیرامون را ممکن می‌سازند.

اهمیت تصاویر آینده یعنی تصور از آنچه ممکن است باشد یا می‌خواهیم باشد، بسیار بیشتر از تصور ما از زمان حال است. تصور ما از آنچه هست با تصور ما از آنچه باید باشد می‌آمیزد و این دو را نمی‌توان از هم جدا کرد. اما در تصاویر آینده، امید و اراده و رؤیاهای انسان‌پرورش می‌یابد و میدان عمل پیدا می‌کند؛ به همین علت تصاویر آینده بسیار قدرتمندتر از سایر تصاویر هستند. تصور ما از آینده تحت‌تأثیر ایمان و اراده و امید به تصویری مطلوب تبدیل می‌شود. همچنین ممکن است ضعف در ایمان و اراده با ناامیدی تصویری نامطلوب از آینده ترسیم نماید. به دنبال این تصاویر است که حکومت‌ها و تمدن‌ها رو به اوج و زوال می‌روند و برتری قدرتها در آینده جابه‌جا می‌شود.

معنویت عامل مهمی در خلق تصاویر آینده است. ارزش‌های معنوی، امیدبخش، قدرت آفرین و راهنماست. تصاویری از آینده که رنگ و بوی معنوی دارند، نفوذ بیشتری در دل‌های افراد جامعه پیدا می‌کنند و در ایجاد همگرایی و هم‌افزایی میان مردم اثربخش‌تر هستند. تصاویر آینده با معنویت و بدون معنویت بسیار با هم متفاوت هستند. بی‌تردید تصویری از آینده که مؤلفه‌های معنوی در آن حضور دارد، بر تصویری که مؤلفه‌های معنوی در آن حضور ندارد، غلبه خواهد یافت. قدرت معنویت از سنخ قدرت ایمان و امید است؛ از این رو با تصاویر آینده مناسبت و سختیت دارد و کاملاً در آن می‌آمیزد و تصویری قدرتمند و معجزه‌گر می‌آفریند. امروز نخبگان غرب این راز بزرگ را کشف کرده‌اند و البته رهبران انقلاب اسلامی ایران این حقیقت طلایی را می‌دانستند. رهبران انقلاب تصویری معنوی از آینده ساختند که شاید امروز رو به فراموشی می‌رود و نخبگان غرب در حال برساختن تصویری معنوی از آینده هستند که از منافع آنها محافظت کند. بی‌تردید جنگی آغاز شده است که در آن تصاویر آینده معنوی جهان رویاروی هم قرار گرفته‌اند.

قدرت تصویرسازی از آینده

تصاویر همیشه جزء مهم‌ترین عوامل حرکت‌دهنده و انگیزه‌بخش بوده‌اند. تصویری که ما از آینده می‌سازیم بیش از سایر تصاویر قدرت برانگیزندگی و حرکت‌دهندگی دارد. تصاویر آینده درک و خواست ما از وضعیتی است که فعلاً وجود ندارد. ارزش‌ها، باورها، تدابیر، تصمیمات، و رفتارهای ما کاملاً در خلق آن تصاویر مؤثر هستند. از سوی دیگر تصاویر آینده بر تدابیر و تصمیمات و رفتارهای ما تأثیر می‌گذارند و ممکن است باورها و ارزش‌های ما را تغییر دهند؛ بنابراین تصاویر آینده نقش مؤثری در تمام ابعاد وجودی و زندگی ما دارند.

تصویر آینده چیزی شبیه ساختارهای اجتماعی^۱ است که بر ارزش‌ها و روابط و رفتارهای اعضای جامعه سایه می‌افکند. تصاویر آینده هم به همین شکل عمل می‌کنند و مردم را به‌سوی الگوی خاصی از روابط و رفتار سوق می‌دهند. تصاویر آینده، نمایانگر نوعی آگاهی جمعی از شکل‌گیری هویت، رفتار و تصمیم‌گیری‌ها هستند و برخی مواقع هم‌تراز با مفاهیمی چون پیش‌بینی، انتظارات، بیم‌ها و امیدها در نظر گرفته می‌شوند.^۲ تصویر قدرتمند و مؤثر از آینده به مردم هویت می‌دهد، برای آنها ارزش می‌آفریند، انتظاراتی ایجاد می‌کند، تحقق آن امیدبخش است و رسیدن به آن بیمناک است. این‌گونه است که تصاویر آینده به ساختار اجتماعی راه می‌یابد و روابط و رفتارهای جمعی را شکل می‌دهد.

تصور آینده صرفاً درک و شناخت نیستند، بلکه این تصورات بخشی از فرایند اراده و عمل ماست که در به‌وجودآوردن آینده تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین خلق آینده‌ای مطلوب یا نامطلوب از تصویری که نسبت به آینده می‌سازیم آغاز می‌شود. ما خود را برای آنچه از آینده می‌فهمیم و می‌خواهیم آماده می‌کنیم و برای آن می‌کوشیم؛ بنابراین ما در برابر تصاویر آینده فقط دریافت‌کننده و منفعل نیستیم، بلکه فعالانه می‌توانیم ارزش‌ها و اهداف خود را مبنا قرار دهیم و تصاویر مطلوبی از آینده بسازیم. بی‌تردید این تصاویر آینده را تغییر خواهد داد و اگر به‌طور کامل تحقق پیدا نکند، دست‌کم آثار چشمگیری بر آینده خواهد گذاشت. مسئله ما در این مقاله بررسی ابعاد اثربخشی تصاویر آینده است.

1. Social Structure

2. Images of the future in south korea(2013), Hyeonju Son

نقش تصاویر آینده در تغییرات اجتماعی

وندل بل در کتاب مبانی آینده‌پژوهی، تصاویر آینده را از مهم‌ترین دغدغه‌های آینده‌پژوهان برشمرده و در این مورد چنین می‌گوید: «شاید مهم‌ترین و بنیادی‌ترین پرسش‌های پژوهشی آینده‌پژوهان این موارد باشند: تصویرهای آینده چه ماهیتی دارند، علل پیدایش آنان چیست و هر یک چه پیامدهایی دارند؟... افراد یا تلاش می‌کنند خود را با آنچه گمان می‌کنند روی خواهد داد، سازگار کنند یا به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که آینده دلخواه خود را بسازند. به همین دلیل، آینده‌پژوهان تصویر آینده را یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای کنونی انسان‌ها می‌دانند.»^۳ بل دو گونه اثرگذاری تصاویر ذهنی بر رفتار را تحلیل می‌کند. یکم، سازگاری؛ دوم، تغییر. ما با تصویری که از آینده داریم به این دو شیوه مواجه می‌شویم، یا می‌کوشیم خود را با آن سازگار کنیم و به‌این‌ترتیب منافع خود را تأمین کنیم، یا ارزش‌های خود را حفظ کنیم.

دیگر اینکه می‌کوشیم آن را تغییر دهیم و آینده مطلوب یا آینده محتمل‌الوقوع نامطلوب را جایگزین سازیم. تفسیر و برداشت ما از تصویری که نسبت به آینده داریم رویکرد ما را به سازگاری یا تحول‌خواهی تعیین می‌کند.

مواجهه سازگاران یا تحول‌خواهان نسبت به تصویری که از آینده داریم، به دو عامل اساسی مربوط می‌شود. یکم، منافع و ارزش‌ها؛ یعنی آیا در تصویری که از آینده داریم می‌توانیم منافع و ارزش‌هایمان را حفظ کنیم یا نه؟ دوم، قدرت تغییر؛ یعنی اینکه آیا توانایی تغییر آینده و جایگزینی تصویر مطلوب را داریم یا نه؟ اگر تصور ما از آینده به‌گونه‌ای باشد که احساس کنیم، منافع و ارزش‌های ما در آن حفظ خواهد شد، دیگر تلاش نمی‌کنیم آن را تغییر دهیم، بلکه می‌کوشیم با پذیرش تصویری که از آینده داریم، خود را با آن

۳. مبانی آینده‌پژوهی، وندل بل، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، ص ۱۷۳

سازگار کنیم؛ بنابراین قدرت و خلاقیت خود را صرف تطبیق و سازگاری با آینده خواهیم کرد و به این ترتیب رفتار ما جهت‌گیری می‌شود. اما اگر احساس کنیم که ارزش‌ها و منافع ما حفظ نخواهد شد، آنگاه رفتاری را پیش می‌گیریم که به طور خلاقانه آینده‌ای بدیل را جایگزین کند. در واقع تصویری را از آینده می‌سازیم و به سوی آن می‌رویم که با تصویر آینده نامطلوب متفاوت است. با این وصف آغاز تغییرات اجتماعی در نظر داشتن تصویری از آینده نامطلوب و تصویری از آینده مطلوب است که باور به قدرت جایگزینی تصویر مطلوب به جای تصویر نامطلوب در کنار آن قرار می‌گیرد.

بنا بر دیدگاه اسلاتر، تغییرهای اجتماعی را می‌توان حاصل سه نوع نیرو در نظر گرفت: وزن گذشته، فشار حال، کشش آینده.^۴ این نیروها را به عنوان اضلاع مثلث آینده‌پژوهی می‌نامند و نقش آنها در شکل‌گیری آینده را با روش‌های مختلفی بررسی می‌کنند. اما آنچه در این میان بسیار مهم به نظر رسیده و نقش اساسی در تغییرات اجتماعی ایفا می‌کند، کشش آینده است که از طریق تصاویر آینده در جامعه ایجاد می‌شود و افکار و اراده‌ها را به مسیر و مقصدی مشخص برمی‌انگیزد. هر تصویری از آینده کشش آفرین و گرایش ساز برای اعضای جامعه نیست. یک تصویر فرایند خاصی را طی می‌کند که جاذبه لازم برای تبدیل شدن به تصویر آینده را پیدا می‌کند. در این بین مهم‌ترین موضوع این است که آن تصویر در فضای بین‌الذهانی افراد جامعه به طور شفاف و انگیزه‌بخش قرار بگیرد و به ارزش اجتماعی تبدیل شود.

4. Changing images of the futures in 20th century(1991),
Richard slaughter

هویت آفرینی تصاویر آینده

تصاویر آینده هویت‌ساز هستند. بخشی از هویت فردی و جمعی هویت آرمانی است. اینکه ما چه تصویری از خود و جامعه خود را مطلوب می‌دانیم، در شکل‌گیری هویت بسیار مؤثر است. در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در مفهوم تصاویر آینده به‌مثابه ساخت هویت اجتماعی»، نویسندگان تلاش نموده‌اند تا امکان ساخت هویت بر مبنای تصاویر آینده را تشریح کرده و «هویت مقصد» را به‌عنوان هویت برساخته تصاویر آینده معرفی نمایند. آن‌ها سه نوع هویت را ذکر کرده‌اند، «هویت در گذشته؛ هویت موروثی»، «هویت در زمان حال؛ هویت نقش‌ها» و «هویت در آینده؛ هویت مقصد». هویتی که از تصاویر مشترک آینده در سطح اجتماعی ایجاد می‌شود، می‌تواند حرکت‌های جمعی را رقم زده و به تغییرات اجتماعی منجر شود. موانع موجود در سطوح مختلف اجتماعی، با وجود تصاویر امیدبخش از آینده که به‌صورت مشترک پذیرفته شده‌اند، مرتفع گشته و سدی برای حرکت به سمت آرمان‌ها نخواهد بود. فقدان تصویر شفاف و شایسته‌ای از آینده، هویت مغشوش به بار می‌آورد. هویت مغشوش عملکردهای فرد و جامعه را تضعیف می‌کند و موجب فروپاشی می‌شود. یکی از علل بحران هویت فقدان تصاویر آینده است. با تصویرپردازی از آینده بحران هویت از بین می‌رود و هویت‌های موفق شکل می‌گیرد.

هویت می‌تواند در اثر فرایندهای اجتماعی تشکیل شود، پس از متبلور شدن، باقی بماند، تغییر کند، یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی، از نو شکل بگیرد.^۵ از منظر آلتوسر هویت روندی است که مردم خودشان را به یک عنوان خاص تشخیص می‌دهند و فکر می‌کنند «آن» هستند. این روند به‌صورت خودآگاه

۵. تأملی در تصاویر آینده به مثابه ساخت هویت اجتماعی، محسن طاهری دمنه، علی اصغر پور عزت، محمد مهدی ذوالفقارزاده، فصلنامه مطالعات ملی، ص ۹

یا ناخودآگاه در ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد^۶ هویت، شرط لازم زندگی اجتماعی است و ارتباط معنادار و مستمر افراد با یکدیگر و یا جامعه بدون آن امکان‌پذیر نیست. راه‌حل نهایی غلبه بر چالش‌های ناشی از تغییرات هویتی، هویت‌یابی مستمر، بازتعریف و بازسازی هویت جامعه توسط افراد همان جامعه است.^۷

نظام‌های سیاسی برای جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان ناگزیرند که بر اساس آرمان‌ها و اهدافشان هویت جمعی برای شهروندان ایجاد کنند و اجازه ندهند که آنان دچار بحران هویتی شوند. بدین سبب یکی از مهم‌ترین وظایف و کارکردهای حکومت برای حفظ بقای خود این است که تصاویر آینده را در ذهن شهروندان پدید آورد و بر اساس این تصاویر هویت آرمانی و هویت جمعی آنان را بسازد. فرد پولاک معتقد است که آن اجتماع‌هایی که تجسمی از آینده ندارند، روبه‌زوال می‌گذارند و آن‌هایی که تصویر مثبتی از آینده دارند، متعالی، ماندگار و پیشرفته می‌شوند.^۸ حفظ نظام اجتماعی در گرو وجود تصویری مقبول از آینده جامعه در اذهان شهروندان است.

تصاویر آینده در معرض تغییرات هستند و از تغییرات اجتماعی اثر می‌پذیرند؛ بنابراین نظام‌های سیاسی همواره باید در حال بازآفرینی و نوسازی تصاویر آینده بر اساس ارزش‌ها و اهداف و آرمان‌های جمعی باشند. غفلت از این کارکرد موجب فروپاشی نظام اجتماعی می‌شود. تغییر تصاویر آینده در یک جامعه به تغییرات بنیادین در همه ابعاد و ساختارهای اجتماعی منجر می‌شود.

۶. سیمای هویت اجتماعی جوانان ایرانی، فرنگیس آمال، فصلنامه مطالعات ملی، ص ۴

۷. سیمای هویت اجتماعی جوانان ایرانی، فرنگیس آمال، فصلنامه مطالعات ملی، ص ۳

۸. فرد پولاک، تصاویر آینده

تصویر معنوی از آینده

معنویت به رابطهٔ انسان با حقیقت متعال یا امر مقدس مربوط می‌شود.^۹ معنویت عمیق‌ترین باورها را شکل می‌دهد و قوی‌ترین انگیزه‌ها را می‌سازد. باورها و ارزش‌های معنوی هم بر تصور ما از آنچه هست و آنچه هستیم اثر می‌گذارد و هم تصور ما را از آنچه خواهد بود، شکل می‌دهد. تصاویر آینده وقتی با درون‌مایه معنوی می‌آمیزد، قدرتمندتر می‌شود. آینده وجود ندارد، ولی هرچه ایمان و امید به تصاویر آینده بیشتر باشد، امکان وقوع آن تقویت می‌شود. معنویت منبع ایمان و امید است، هم از این‌رو تصاویر معنوی از آینده واقعی‌تر، باورپذیرتر و تحقق‌یافتنی‌تر هستند. ایمان معنوی آمیخته با تصاویر آینده، ایمان به این تصاویر را افزایش می‌دهد. وقتی عناصر تقدس و تعالی در تصاویر ما از آینده مطلوب وجود داشته باشد، تحقق‌بخشیدن به آن آینده یک رسالت آسمانی خواهد بود. مردم و جامعه‌ای که تصویرشان از آینده مطلوب مبتنی بر باورها و پیش‌های معنوی است، با عزمی راسخ و باوری استوار به سوی آن حرکت می‌کنند و عوامل بازدارنده از تحقق آینده مطلوب را کنار می‌زنند و تغییر تصاویر آینده برای آنها به‌سادگی رخ نمی‌دهد.

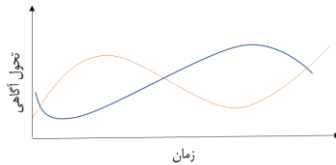
تصاویر معنوی از آینده در واقع تصاویری از آینده معنوی است. وقتی مؤلفه‌های معنوی را در تصویری که از آینده داریم وارد می‌کنیم، آینده‌ای معنوی را به تصویر می‌کشیم. اگر بخواهیم از قدرت معنویت در تصویرسازی از آینده استفاده کنیم و قدرت معنویت را بر قدرت تصاویر آینده بیفزاییم، به‌سوی خلق آینده‌ای معنوی قدم برمی‌داریم. قدرتمندترین تصاویر آینده، تصاویری هستند که آینده معنوی را به تصویر می‌کشند. آینده معنوی جامعه، جهان و بشریت، آینده‌ای مقدس است که می‌توان برای آن جان‌فشانی کرد. جامعه و نظام سیاسی در صورتی که تصویری از آینده معنوی داشته باشد،

۹. نلسون، روانشناسی دین.

بسیار قدرتمند می‌شود. جامعه‌ای که تصویری از آینده معنوی جهان دارد و آن تصویر را باور کرده است، فاتح جهان خواهد شد.

ساخت تصاویر آینده

تصاویر آینده باید مورد پذیرش جمعی قرار بگیرند. تصاویری که در جوامع شکل گرفته و موجب ساخت رفتارهای جمعی و ایجاد تغییرات می‌شوند، با طی فرآیندی تبدیل به تصویر مورد پذیرش جامعه شده و عمل می‌کنند. فرایند تصویرسازی اجتماعی از شکل‌گیری در اذهان بخشی از جامعه شروع شده و رفته‌رفته در قالب کنش‌هایی تبدیل به تصاویر مورد پذیرش جامعه شده و حرکت‌های فرهنگی اجتماعی و... بر این اساس شکل می‌گیرد. رابطه تصاویر آینده با حرکت‌ها و رویدادهای اجتماعی و فرهنگی یک‌سویه نیست. گاهی رویدادهایی در جریان تغییرات اجتماعی رخ می‌دهد که تصاویر آینده را دگرگون می‌سازد. این فرایند را اسلاتر در قالب این نمودار نشان داده است:



این نمودار نشان می‌دهد که در گذر زمان آگاهی ما تحول پیدا می‌کند و تصویری که از آینده داریم دستخوش دگرگونی می‌شود. تصاویری که چندان باورپذیر نبود، به چشم‌انداز ما می‌آید و تصاویری که در چشم‌انداز ما نشسته بود، فرومی‌ریزد؛ بنابراین برای حفظ هویت اجتماعی نیاز به دو عامل داریم نخست ساخت تصاویر آینده و سپس به‌کارگیری سازوکاری برای حفظ این تصاویر. تصویرسازی از طرق مختلفی صورت می‌پذیرد و اندیشمندان متعددی نیز به تصاویر و روش‌های تصویرسازی اهمیت داده‌اند. آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه دانشی پیشرو در امر ساخت آینده،

تصویرسازی را از مهم‌ترین عناصر در شکل‌بخشی به آینده قلمداد می‌کند. تصاویر آینده هم اکتشافی و هم اختراعی است؛ بنابراین از یک سو باید پیش‌بینی کنیم و از سوی دیگر باید در قلمرو امکانات و واقعیت‌ها تصویر آینده را بسازیم. برای ساخت آینده از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. در برخی موارد برنامه‌هایی از پیش تنظیم شده برای دخالت در ساختن آینده به کار می‌آید. این برنامه‌ها به‌مثابه مبنای قضاوت افراد درباره حوادث آینده، مورد استفاده قرار می‌گیرند. حالت اخیر را می‌توان در قالب استراتژی تصویرپردازی از آینده صورت‌بندی کرد. تصویرپردازی از آینده با دو رویکرد قابل اجراست. یکم، رویکرد القایی و دوم، رویکرد بصیرت بخش. این دو رویکرد برای دخالت در ساختن آینده جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرند.^{۱۰}

در رویکرد القایی تلاش می‌شود تصاویری از آینده برای جوامع ارائه گردد که منجر به تغییر ایده‌آل‌های حقیقی جامعه شده و مطلوبیت موردنظر آن مجموعه‌ها به‌عنوان مطلوبیت حقیقی جایگزین شود. در این تغییر مسیر، باورها و نگرش‌های افراد و جوامع متناسب با تصویر ارائه شده تغییر کرده و رفتارهای فردی و اجتماعی با آن هماهنگ می‌شوند.

در رویکرد بصیرت بخش، تصویرسازی از طریق ارتقای حساسیت افراد جامعه نسبت به آینده و آگاهی‌بخشی به آنان صورت می‌گیرد. در این رویکرد که ماهیتی مردمی دارد، تلاش می‌شود تا اعضای جامعه مبتنی بر واقعیت‌ها، به تصاویر مشترکی از آینده دست پیدا کنند. این تصاویر قدرت برقراری اجماع را در میان آحاد جامعه بیشتر کرده و هر کس نقش خود را در تحقق تصاویر مطلوب پیدا می‌کند.

۱۰. علی اصغر پور عزت، تصویرپردازی بصیرت بخش از آینده موعود: استراتژی فوق فعال انتظار شهر عدل در ایران،

نقش رسانه‌ها در ساخت تصاویر آینده

رسانه مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری هستند که می‌توانند تصاویر موردنظرشان از آینده را به مقبولیت برسانند. تصویری که نخبگان خلق می‌کنند یا حتی تصویری که با بصیرت جمعی تولید می‌شود، سرانجام از طریق رسانه‌ها به اشتراک گذاشته شده و به روایتی مقبول از آینده یا تصویری مطلوب از آینده تبدیل می‌شود.

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که معمولاً در حال تصویرسازی برای آینده جامعه هستند و روایت‌هایی مطلوب یا نامطلوب از آینده ارائه می‌دهند. رسانه‌ها یا در جهت پایداری و تداوم جامعه و یا در جهت فروپاشی و خلق جامعه جدید روایت‌پردازی می‌کنند. گروه‌های مرجع و رسانه‌هایی که ابزار مرجعیت گروه‌های مختلف هستند، می‌توانند با مهندسی تصاویر و روایت‌های آینده، تغییرات مهمی را در جامعه رقم بزنند. مهندسی اجتماعی با خلق تصاویر آینده صورت می‌گیرد و مسیر متفاوتی پیشروی جامعه گشوده می‌شود. رسانه‌ها از طریق خلق تصاویر آینده سیاست‌گذاری‌ها را جهت می‌دهند، تغییرات بنیادین فرهنگی ایجاد می‌کند و جامعه را به دگرپرسی می‌رسانند. در یک کلام رسانه‌ها با خلق تصاویر آینده جامعه جدیدی می‌سازند.

ساخت هویت فردی و اجتماعی در جامعه معاصر با تفاوت‌هایی روبرو شده است. این تفاوت‌ها ناشی از ظهور روایت‌های متعددی است که بعضاً همدیگر را نقض می‌کنند. روایت‌های هویت‌ساز از طریق رسانه‌های متعدد و ارتباطات گسترده‌ای که بشر دچار آن شده است صورت می‌گیرد. در گذشته هویت انسان‌ها عموماً از طریق چیزهایی که از قبل به ارث رسیده بود ساخته می‌شد. اما اکنون مولفه‌های هویت‌ساز در قالب انبوه روایت‌ها ارائه می‌گردند. این امر موجب سردرگمی انسان در میان انبوه اطلاعات شده و ناچار پدیدآمدن هویت سردرگم منتهی می‌گردد. هویت سردرگم امید به ساخت آینده را به‌سختی برمی‌تابد و صرفاً در تلاش برای حفظ کردن خود از اتفاقات

و آینده‌های تاریک است. هجوم اطلاعاتی که هشدار از آینده‌ای مبهم و پر از مشکلات را می‌دهند موجب شده است تا هویت‌های فردی و جمعی به این سمت سوق پیدا کنند که توان ساخت آینده روشنی وجود ندارد و چاره‌ای جز انفعال نیست.

تغییرات اجتماعی ناشی از تصاویر آینده نرم و آهسته صورت می‌گیرد. ایجاد نقش‌های جدید و هویت‌سازی برای شهروندان جامعه رقیب یا متخاصم در طول زمان و به صورت نرم ایجاد می‌شود و از استراتژی‌های تعیین‌کننده در جنگ شناختی است. در این استراتژی تغییرات صورت گرفته در فضای عمومی جامعه قابل تشخیص نیست و طبیعی قلمداد می‌شود. تنها راه تشخیص این تغییرات، مطالعه سیگنال‌های ضعیف توسط نخبگان جامعه است. رویارویی با این تصاویر و روایت‌ها، حفظ و ارتقای هویت اصیل جامعه از طریق روایت‌پردازی و تصویرسازی‌های مبتنی بر واقعیت جامعه و آرمان‌ها و ارزش‌های جمعی تنها راه مقابله با قدرت‌های متخاصم و غلبه در جنگ شناختی است.

جمع‌بندی

تصویر آینده مطلوب در ذهن مردم به ساخت اجتماعی تبدیل می‌شود و به صورت امری واقعی درمی‌آید. واقعیتی که می‌توان با آن زندگی کرد و به زندگی معنا داد. نظام‌های سیاسی ناگزیرند برای بقای خودشان به ساخت اجتماعی آینده توجه کنند و برای ترسیم تصویری مطلوب و هماهنگ با منافع ملی بلکه منافع بشری سیاست‌گذاری و اقدام کنند. در غیر این صورت در روند تغییرات اجتماعی هویت جمعی مردم دچار اغتشاش می‌شود و جامعه رو به فروپاشی می‌رود. در این میان معنویت عامل تعیین‌کننده‌ای در برتری تصاویر آینده و برتری جوامع مختلف بر یکدیگر خواهد بود. آینده از آن ملتی است که تصویری از آینده معنوی داشته باشند و هویت ملی آنها به تصویری معنوی از آینده گره خورده باشد. این حقیقت مهم و تعیین‌کننده از دید و درک استراتژیست‌های تأثیرگذار پنهان نیست.

منابع:

۱. مبانی آینده پژوهی، وندل بل، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۱
۲. تاملی در تصاویر آینده به مثابه ساخت هویت اجتماعی، محسن طاهری دمنه، علی اصغر پور عزت، محمد مهدی ذوالفقارزاده، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۹۴
۳. سیمای هویت اجتماعی جوانان ایرانی، فرنگیس آمال، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۹۰
۴. تصویر آینده، فرد پولاک، مترجم: عبدالمجید کرامت‌زاده، انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۸
۵. روان شناسی دین و معنویت، جیمز ام. نلسون، مترجم (ها) : دکتر مسعود آذربایجانی و امیر قربانی، ۱۳۹۵
۶. مقاله تصویرپردازی بصیرت بخش از آینده موعود: استراتژی فوق فعال انتظار شهر عدل در ایران، علی اصغر پور عزت، مجله کمال مدیریت زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴ - شماره ۸ و ۹ (۲۶ صفحه - از ۵۷ تا ۸۲)

- V. Changing images of the futures in ۲۰-th century(۱۹۹۱), Richard slaughter, Volume ۲۳, Issue ۵
- A. Images of the future in south korea(۲۰۱۳), Hyeonju Son, Volume ۵۲

تصویر آینده از دیدگاه معنویت‌گرایی غربی

تمدن غرب درگیر بحران‌های بسیاری شده است. به نظر می‌رسد که ریشه این بحران‌ها در معنویت باشد. یا دستکم با معنویت می‌توان رنج بحران‌ها را کاهش داد و تاب‌آوری مردم را افزود، تا نیروی رنج آنها را برانگیخته نکند و نظام تمدن غرب فرونپاشد. با این وصف تمدن غرب برای بقای خودش به یک سناریوی معنویت‌گرا نیاز دارد.

پس از جنگ جهانی دوم بحران‌های اجتماعی، روانی و حتی فلسفی ویرانگری پایه‌های تمدن غرب را به لرزه انداخت. آثار جنگی که اروپا را به ویرانه تبدیل کرد و ژاپن را از هم پاشید، جهان را به طعمه‌ای برای قدرت‌های شرق و غرب تبدیل کرد که برای تصاحب آن به زورآزمایی و قدرت‌نمایی پرداختند. پس از فروپاشی ابرقدرت شرق، آمریکا به قدرت بلامنازع تبدیل شد، اما قدرت مسئولیت می‌آورد. تداوم بحران، موجب می‌شود که اتهامات به‌سوی قدرت برتر بازگردد و سلطه‌ای ناکارآمد آن موجب نارضایتی شود. آمریکا ناچار بود برای عبور از وضع موجود یا توجیه آن چاره‌ای بی‌اندیشد. در این میان یک امکان امیدبخش وجود داشت. امکانی که تقریباً می‌توان گفت باربارا مارکس هابرد^{۱۱} آن را کشف کرد^{۱۲}. ایده این بود که دین تفکر نو^{۱۳} را به یک معنویت جهانی تبدیل کنند.

در این مقاله به ایدئولوژی معنوی غرب برای خلق تصویر آینده معنوی جهان می‌پردازیم. تصویری معنوی از آینده که کاملاً با منافع نظام سرمایه‌داری سازگار شده و با قدرت رسانه و تبلیغات در حال گسترش است. تصاویری که آینده مطلوب نظام سرمایه‌داری را با درون‌مایه‌های معنوی

11. Barbara Marx Hubbard

۱۲. نیل دونالد والش، ابداع زندگی.

13. New Thought

آمیخته و می‌رود تا در عمیق‌ترین لایه‌های باورها و ارزش‌های مردم ریشه بدواند.

تفکر نوین

تفکر نو از اواخر قرن نوزدهم به تدریج سر برآورد. این جریان با تلفیقی از افکار «کابالیستی»، «هندوئیسم مدرن» و «مسیحیت متعالی» در آمریکا پدید آمد و در قالب صدها مؤسسه و از طریق هزاران نویسنده و سخنران رواج یافت. تفکر نوین پاسخی بود به مادی‌گرایی افراطی و تشدید گرایش‌های معنوی در غرب و از اواخر سده بیست، به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به نظام سرمایه‌داری و ترویج ارزش‌های آمریکایی تبدیل شده است.

تفکر نو بر این اصل استوار است که خدا همان روح و نیروی درونی انسان ماست که بی‌نیاز است و از طریق خلاقیت، شادی، سلامتی و روابط عاشقانه پدیدار می‌گردد؛ بنابراین انسان هر چه بخواهد همان می‌شود و نیروی درونی او بر تمام کائنات اثر می‌گذارد. خواسته‌های ما از طریق آنچه می‌اندیشیم و آنچه می‌گوییم برای کائنات آشکار می‌شود و کائنات هم آنچه ما می‌خواهیم را تحقق می‌بخشد. نتیجه عملی اینکه به آنچه می‌خواهید فکر کنید و به آنچه نمی‌خواهید فکر نکنید.

قانون جذب^{۱۴} مورد تأکید مروجان تفکر نو است. این قانون می‌گوید که افکار شما در عالم اثر می‌گذارد و به هر چه بیندیشی، همان اتفاق می‌افتد. پس تنها به آنچه می‌خواهید، بیندیشید و به آنچه نمی‌خواهید، فکر نکنید. افکار ما مثل فرمانی است که به کائنات ارسال می‌شود و عملکرد آنها را

۱۴. نیروی ذهن ایده اساسی جریان تفکر نوین است که با عنوان قانون جذب مشهور شده است. قانون جذب می‌گوید به هر چه فکر کنید آن را خواهید داشت.

تحت تأثیر قرار می‌دهد^{۱۵}. نیروی بی‌نهایت درون از طریق افکار و کلمات ما آشکار می‌شود به طور خلاقانه‌ای بر جهان اثر می‌گذارد. دو دستورالعمل کلی از این قانون مورد ادعا برمی‌آید:

یکم، به آنچه می‌خواهید بیندیشید، زیرا به هرچه بیندیشید، خواهید رسید؛ بنابراین آرزوهایتان را تصور کنید، خودتان را احساس کنید که به آنها دست‌یافته‌اید و غرق در لذت و شادی هستید. هر کس نیروی بی‌نهایت درون یا خدای درون را بهتر بشناسد و ارتباط بهتری با آن داشته باشد، به ثروت و رفاه بیشتری دست می‌یابد.

دوم، به آنچه نمی‌خواهید، فکر نکنید، تا ایجاد نشود و اگر هست، از بین برود. اگر می‌خواهید فقیر و بیمار و دردمند نباشید، به این احوال فکر نکنید و به علل و عوامل رنج نیندیشید. حتی اگر می‌خواهید جهان از جنگ و ظلم و فساد پاک شود و دیگران را هم از رنج و درد نجات دهید؛ راهش این است که با این ناخواسته‌ها کاری نداشته باشید؛ حتی به مبارزه با آنها فکر نکنید و چیزی درباره آنها نگوئید. از نظر آنان جنگ و ظلم و فساد با اندیشه کسانی که می‌خواهند با این ناخواسته‌ها مبارزه کنند، تقویت می‌شود. زیرا با اندیشیدن به آنها نیروی درون به‌سوی این ناخواسته‌ها می‌رود و آنها را جذب می‌کند. کسانی که با این ناخواسته‌ها کاری ندارند، مصلحان واقعی هستند.

معنویت تفکر نو

معنویت از منظر تفکر نو خودشناسی و درک خدای درون است. نتیجه این آگاهی دسترسی و به‌کارگیری نیروی نامحدودی است که خواسته‌های بشر را تحقق می‌بخشد. به این ترتیب انسان‌های معنوی به خواسته‌هایشان می‌رسند و افراد غیرمعنوی امکان رسیدن به آرزوها و خواسته‌هایشان را ندارند. انسان‌های معنوی می‌توانند با این نیروی عظیم و جادویی نیازهای

۱۵. حمیدرضا مظاهری سیف، نگاهی متفاوت به قانون جذب

مادی خود را تأمین کنند و به نیازهای دیگران هم رسیدگی کنند؛ بنابراین ثروت و رفاه یکی از نشانه‌های رشد معنوی است. این باور از تفکر نو به تعداد زیادی از جنبش‌های دینی و معنوی نوظهور سرایت کرده است. زیرا جذابیت جستجوی رازهای معنوی درون را با رفاه مادی می‌آمیزد. هم‌اکنون جامعه‌شناسان معنویت جدید را معنویت مادی توصیف کرده‌اند.^{۱۶} معنویتی که از ویژگی‌های زاهدانه و پرهیزکارانه جدا شده و با دنیاگرایی و رفاه‌طلبی آمیخته است.

نشانه رشد معنوی رفاه و ثروت مادی است و انسان‌های فقیر در واقع دچار فقر معنوی هستند و خدا و نیروی خلاق درون را نشناخته‌اند. این باورها پول و رفاه را مقدس می‌نماید و به ثروتمندان و سرمایه‌داران تقدس می‌بخشد. هر جا که ثروت و پول و رفاه است، نور خدا و معنویت جاری است. این تفسیر از معنویت دقیقاً چیزی است که قدرت‌های مادی به آن احتیاج دارند، تا مردم را به انقیاد درآورند و به دارایی و قدرت خود مشروعیت ببخشند. فراگیری این باور معنوی موجب می‌شود که مردم نخواهند علیه قدرتمندان و ثروتمندان قیام کنند و نظام ظالمانه و تبعیض‌آمیز سرمایه‌داری را در هم بکوبند. این پندار تمام تبعیض‌ها و ظلم‌ها را توجیه می‌کند و مقصر شرایط بدی که در جهان است، فقیران و محرومان قلمداد می‌شوند. در نظام عادلانه عالم هستی هر کس به آنچه شایسته آن است می‌رسد و کسانی که مقصر هستند، گرفتار رنج و محرومیت می‌شوند.

از منظر معنویت تفکر نو لازم نیست جهان را تغییر بدهیم، با قدرتمندان و ثروتمندان درگیر شویم و دیگران را از برخورداری‌هایشان محروم کنیم. بلکه بدون حسادت و تنگ‌نظری باید خود را تغییر دهیم و نیروهای درون را بشناسیم و از نظر معنوی خود را توانمند سازیم، تا بتوانیم فرصت‌ها را جذب

۱۶. برایان ویلسون، جنبش‌های نوپدید دینی، ص ۲۲

کنیم و به آرزوها و خواسته‌هایمان برسیم. این راهی است که انسان‌های موفق و ثروتمند رفته‌اند و الگویی برای دیگران است.

تصویر آینده در چشم‌انداز تفکر نوین

رهبران تفکر نو دو تصویر بدیلی را از آینده ارائه می‌دهند. نخست تصویری نامطلوب از تخریب جهان و فروپاشی تمدن بشری است. در این تصویر مردم به‌جای الگوگیری از ثروتمندان و افراد موفق به ستیز برمی‌خیزند و می‌کوشند یافته‌های دیگران را تصاحب کنند. پس جهان به جنگ و آشوب کشیده می‌شود و همه چیز نابود می‌گردد. تعرض انسان‌ها به یکدیگر، تعرض به طبیعت، تعرض به اراده آزاد انسان‌ها و نادیده‌گرفتن قدرت درونی که انسان را می‌تواند به خواسته‌هایش برساند، موجب نابودی سیاره زمین خواهد شد. وقتی انسان‌ها از معنویت درونی غافل شوند و بخواهند، تغییرات را از بیرون آغاز کنند، جنگ به‌جای صلح و تخریب به‌جای سلامتی و اندوه به‌جای آرامش و احساس کمبود به‌جای درک فراوانی دل‌ها را فرامی‌گیرد. به‌این‌ترتیب هم حال درونی افراد خراب می‌شود و هم جهان به ورطه تباهی فرو می‌غلند.

تصویر دیگر کاملاً مطلوب و معنوی است. انسان‌ها از ثروتمندان و افراد موفق الگو می‌گیرند و آنها را سرمشق خود قرار می‌دهند. از آنها می‌آموزند که باید از درون تغییر کنند تا نتایج دلخواه در بیرون ظاهر شود. جهان پر از فراوانی است برای همه هرچه بخواهند در جهان وجود دارد. مردم این حقیقت را باور می‌کنند و قدرت خلق یک زندگی خارق‌العاده را در درون خود می‌یابند. آنها خلاقیت نامحدود درونی و اثر ذهن و انرژی‌های خود را بر کائنات درک می‌کنند و هرکس بهترین زندگی را برای خودش خلق می‌کنند. در نتیجه زمین دگرگون می‌شود و جهان پر می‌شود از انسان‌های مرفه و خوشبختی که به خواسته‌هایشان رسیده‌اند. محیط‌زیست آباد می‌شود، ثروت و سلامتی در دسترس همه قرار می‌گیرد و بهشت به‌سوی انسان باز می‌گردد.

رهبران تفکر نو تأکید می‌کنند که امروز جهان در اوج بحران‌هاست و از هر سو برهم‌خوردن نظم‌های گذشته دیده می‌شود. ما در سر یک دوراهی هستیم و باید انتخاب کنیم که می‌خواهیم مطابق باورهای گذشته با رفاه و ثروت و شادی و لذت و ثروتمندان مبارزه کنیم و آنها را عامل فساد بدانیم و جهان را به جنگ و آشوب بکشیم، یا معنویت درونی را باور می‌کنیم و باایمان به قدرت بی‌نهایت خود به‌سوی خلق جهانی سرشار از صلح و رفاه و آرامش و شادی و سلامتی می‌وریم. بحران ما یک تولد است. ما می‌توانیم با گسترش یک آگاهی معنوی نوین راه درست را انتخاب کنیم و به‌سوی قدرتمندتر شدن و خلق یک زمین جدید قدم برداریم.

معنویت جدید و نظام بین‌الملل

تفکر نوین به‌عنوان جریان معنوی اثرگذار در سیاست‌های بین‌المللی به دنبال ساخت آینده مطلوب نظام سلطه در جهان است. این جریان معنوی تلاش دارد با «تصویرسازی آینده» نظم نوینی را در جهان رقم بزند. از جمله استراتژیست‌های تفکر نوین که در زمینه تصویرسازی آینده سخنرانی‌ها و مقالات متعددی را منتشر نموده است، باربارا ماکس هابرد و اروین لازلو^{۱۷} و مارک گافنی^{۱۸} هستند. آنها به دنبال القای تصویری از آینده جهان هستند که وانمود می‌کنند در صورت عدم تحقق آن، جهان دچار فروپاشی خواهد شد^{۱۹}.

تحلیل مضمون سخنان آنها ساختار تصویر آینده از دیدگاه آنها را نشان می‌دهد. در این تحلیل ۲۶ مضمون کلیدی شناسایی شد و توسط خبرگان بررسی و اهمیت مضامین استخراج شده تعیین گردید. در ضمن از خبرگان خواسته شد مضامین مهمی که در روند تحلیل شناسایی نشده است را بیان

17. Ervin lazlo

18. Marc gafni

19. Ervin Laszlo. EVLUTION: THE GENRAL THEORY. Hampton press, ۱۹۹۶

کنند. تصویر شکل گرفته توسط مضامین شناسایی شده در ذیل ارائه می‌گردد:

«ما در آستانه تحول بزرگی هستیم. تاریخ حیات بشر دائماً در حال تکامل بوده و اکنون به نقطه‌ای بحرانی رسیده است. ما در آستانه شروع یک عصر جدید و درخشان هستیم. اما گذر از جهان کنونی به جهان آینده با بحران‌ها و بی‌نظمی‌هایی همراه است که به علت از بین رفتن نظم قبلی و پدید آمدن نظم جدید ایجاد می‌شود. شروع این دوران طلایی به انتخاب ما بستگی دارد. ما هستیم که تعیین می‌کنیم جهان به چه سمتی سوق پیدا کند؛ سقوط یا سعادت. زمانی انسان‌ها تمام پیشرفت و حرکت‌های خود را در اثر الهام از منبع دیگری تصور می‌کردند، درحالی که عده‌ای از افراد به آگاهی معنوی جدیدی رسیده‌اند که فاش می‌نماید تمام تغییرات از درون خود ما رقم می‌خورد و ما منبع قدرت نامحدود و خلاقیت بی‌پایان هستیم. این آگاهی جدیدی در حال ظهور است و عده کمی آن را دریافته‌اند. اگر این آگاهی معنوی جدید در سراسر جهان گسترش یابد، انسان‌ها در مسیر جدید همگرا می‌شوند و جهان جدید ظهور خواهد کرد. زمین در مسیر تکامل نهایی بیدار شده است و با تمام منابعش ما را در این مسیر یاری می‌کند. اگر بر اساس آگاهی معنوی جدید حرکت کنیم به تکامل می‌رسیم و نظم برتری بر جهان حاکم می‌شود در غیر این صورت به‌سوی تخریب جهان پیش می‌رویم. جهان دچار مخاطرات جدی است: افزایش جمعیت، گرمایش زمین، بحران آب، تغییرات اقلیم، چالش‌های سلامت و... . اکنون زمان تصمیم‌گرفتن فرارسیده است؛ پیچیدگی در تمام امور روبه‌افزایش است؛ نمی‌توانیم با راهکارهای سنتی مسائل خود را حل کنیم. توسعه علم نیز به‌تنهایی قادر به حل مشکلاتمان نیست. بدون انقلابی در آگاهی و شناخت ما از جهان، هیچ مسئله‌ای حل نخواهد شد. اگر ما بتوانیم در مسیر انقلاب آگاهی، هم‌افزایی کنیم و نسل جدیدی را به‌رورانیم که خود را باور داشته باشد، خواهیم توانست برای همیشه و تا بینهایت خود را حفظ کنیم. امروز با توسعه علم، توانسته‌ایم ترس‌هایمان را کنار بگذاریم و مسائلمان را حل کنیم. کافی است علاوه بر

یافته‌های علمی، باور به خود را نیز ارتقا دهیم. ما اگر به قدرت درون خود اعتماد کنیم خواهیم توانست آینده‌ای را رقم بزنیم که در آن قادر به خلق هر آنچه می‌خواهیم، هستیم. ما دیگر هیچ محدودیتی نخواهیم داشت و جهان پر از عشق و دوستی و محبت خواهد بود. زنان به دلیل ویژگی‌ها و توانایی‌های فوق‌العاده خود، در این دوره نقش محوری خواهند داشت. زنان می‌توانند تحولی را در جهان رقم بزنند که تا به حال رخ نداده است. آنها قدرت دریافت انرژی‌های کیهانی را دارند و می‌توانند قدرت بشر را در ایجاد تغییر و توجه به توانایی‌های خود افزایش دهند. خلاقیت و تاب‌آوری زنان در این بازه زمانی بیشتر از دیگران است، آنان جهان را در مسیر نوزایی خود راهبری خواهند کرد. ما باید به توان خود در مسیر تحقق آینده دلخواه اعتماد کنیم و به قدرت خود در خلق هر آنچه که می‌خواهیم باور داشته باشیم. این آخرین فرصت ماست...»

در این تصویر نیروهای محرک درونی (آگاهی معنوی جدید) و اجتماعی (زنان) معرفی شده است. یک دوراهی بحرانی هم پیشروی قرار گرفته که تکامل یا تخریب جهان و زندگی انسان است. این تصویر می‌کوشد با انقطاع از منبع قدرت برتر (خدای متعال) انسان‌ها را به نوعی قدرت درونی و خلاقیت درونی سوق دهد که با آن جهان جدیدی را می‌توانند بسازند. جهانی که در آن قدرت و اراده آزاد آنها خالق است و هرچه بخواهند به دست می‌آورند. این تصویر کاملاً ارزش‌های لیبرالیسم را در خود حفظ کرده و آن ارزش‌ها را بر شالوده‌ای معنوی به تصویر کشیده است.

تصویر آینده در چشم‌انداز تفکر نوین و معنویت لیبرال یک تضاد برانگیزنده دارد. تضادی که در دوراهی آینده به تصویر کشیده شده و دو آینده محتمل را نشان می‌دهد: آینده‌ای که در آن رنج و تباهی روبه‌افزایش می‌رود تا بشر و زمین را نابود کند؛ آینده‌ای که به غلبه بر بحران‌های کنونی منتهی می‌شود و بشر را به سعادت و تکامل می‌رساند. این تضاد کاملاً هویت‌بخش است و از طریق دیگر سازی مرزهای هویتی معتقدان به تفکر نوین را از بی‌اعتقادها

جدا می‌کند. به طوری که باور به تفکر نوین یعنی پیوستن به سپاه صلح و سعادت و تکامل و انکار باورهای معنوی تفکر نو یعنی اقدام علیه بشریت و سعادت و تکامل و تخریب زمین.

بازنمایی تصویر پس از ساختن آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. تصاویر آینده باید بازنمایی شود و به یک تصویر شفاف و مشترک در اذهان عمومی تبدیل شود. تصویر آینده‌ای که تفکر نوین ارائه کرده به شیوه‌های مختلفی بازنمایی می‌شود. کتاب‌ها، برنامه‌های آموزشی و ترویجی، آثار هنری، فیلم‌ها و سریال‌ها، کارتون‌ها و هرچه که امکان بازنمایی تصویر آینده را داشته باشد از سوی مروجان تفکر نوین به کار گرفته شده تا تصویر برساخته آنها از آینده به جهان اجتماعی راه یابد و به تصویری شفاف و بدیهی الوقوع در اذهان مردم مبدل گردد. هرچه بازنمایی بیشتر و شفاف‌تر باشد و ذهن‌های بیشتری آن را دریابند و بپذیرند، آن تصویر بیشتر به تصویری از آینده تبدیل می‌شود.

جمع‌بندی

تمدن غرب در گیرودار بحران‌های گوناگون می‌کوشد تا خلأ معنویت را با معنویتی هماهنگ با منافع خود ارائه دهد. در این راه به تفکر نوین روی آورده و بر اساس تعالیم آن تصویری از آینده معنوی جهان ارائه نموده است. تصویر آینده در تفکر نوین مزیت‌ها و معایبی دارد. مزیت آن این است که تضاد معنابخش و هویت‌سازی در دو تصویر بدیل از آینده ترسیم می‌کند که اثربخشی این روایت را افزایش می‌دهد. مزیت دیگر آن به کارگیری قدرت عرضه و گسترش جهانی تفکر نو و تصویر آن از آینده از طریق انواع رسانه‌ها و قالب‌های هنری است. تفکر نوین در ایران نیز گسترش قابل‌توجهی داشته و کتاب‌ها، سمینارها و همایش‌های متعددی توسط مروجین این جریان در شهرهای مختلف برگزار می‌گردد. تا کنون بیش از ۱۰۰ نفر از شخصیت‌های برجسته تفکر نوین شناسایی شده‌اند، که افکار

آنان وارد کشور شده است و فیلم‌ها و سریال‌های متعددی مضامین تفکر نو را نمایش می‌دهد.

مهم‌ترین کاستی آن این است که بشر را واجد نیروی نامحدود معرفی می‌کند و وانمود می‌کند که بشر می‌تواند از پتانسیل نامحدود خود برای تغییر جهان و ساختن زمین نو و عصر جدید استفاده کند. این ادعا باورپذیر نیست و با اینکه دال مرکزی گفتمان آینده در تفکر نوین است، دلایل و شواهد کافی و قانع‌کننده‌ای برای آن وجود ندارد. این نقطه‌ضعف بزرگ در این تصویر جذاب و هویت‌بخش و انگیزه‌ساز از آینده قابل چشم‌پوشی نیست. این نقطه‌ضعف فرصتی است برای تصاویر دیگری از آینده با منطق قوی‌تر و باورپذیرتر به میدان بیابند.

منابع:

۱. کتاب جنبش‌های دینی جدید: چالش و واکنش، برایان ویلسون و جیمی کرسول، موسی اکرمی (مترجم)، ناشر: نگاه معاصر، ۱۳۹۳
۲. ابداع زندگی، نیل دونالد والش، مترجم: فرخ بافنده، ناشر: میم، ۱۳۹۲
۳. حمیدرضا مظاهری سیف، بسوی یک دین جهانی، ناشر: صهبای یقین، ۱۳۹۱
۴. حمیدرضا مظاهری سیف، نگاهی متفاوت به قانون جذب، نشر معنویت پژوهی ۱۳۹۸

Ervin Laszlo. EVLUTION: THE GENRAL THEORY. Hampton press, 1996

تصویر آینده از چشم‌انداز انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران در برهه‌ای از تاریخ حیات بشری به وقوع پیوست که تصاویر آینده در انحصار دو ابرقدرت غرب و شرق بود. هر دو تصویر آینده کمونیستی و لیبرالیستی برای جهان دارای مؤلفه معنویت است. این دو ایدئولوژی سیاسی توجه داشتند که با تمام مادی‌گرایی که در تاروپود افکارشان تنیده است، جاذبه معنوی را نمی‌توانند از تصویر آینده مطلوبشان حذف کنند. هم‌اکنون در هر دو ایدئولوژی شرقی و غربی مؤلفه معنویت در تصاویر آنها از آینده دیده می‌شود.

از دیدگاه کمونیستی سرانجام تکامل تاریخی تحقق جامعه بی‌طبقه است که در آن مالکیت خصوصی لغو شده و همه در همه چیز به طور برابر سهم دارند. لغو مالکیت خصوصی نوعی رهایی از تعلقات مادی و معنویت‌گرایی است. معنویت مبتنی بر عدالت و برابری در برخورداری‌های مادی در تصویر ایدئولوژی کمونیستی از آینده وجود داشت و آن را به تصویری معنوی از آینده جهان تبدیل می‌کرد. به نظر می‌رسد جاذبه اصلی تصویر آینده از دیدگاه کمونیسم همین عامل معنوی و رهایی نسبی از مادیت و تعلقات مادی است.

از دیدگاه لیبرالیسم آمریکا آینده بشر با تکامل آگاهی و دستیابی به قدرت اراده ترسیم می‌شود. تحقق جامعه‌ای آزاد و مرفه که تمام خواسته‌های فرد را در دسترس او قرار می‌گیرد. جامعه‌ای که ضعفای تکامل نیافته در آن از بین رفته‌اند و انسان‌های آگاه و تکامل‌یافته با کشف قدرت درون به هر چه می‌خواهند رسیده‌اند. جاذبه اصلی این تصویر نیز در مؤلفه معنوی آن است. کشف قدرت درون و رسیدن به آگاهی متعالی که انسان را بر تمام کائنات غالب می‌سازد و دست او را در تحقق خواسته‌هایش می‌گشاید.

تصویر شرقی از آینده بر اصل عدالت و تصویر غربی بر اصل آزادی استوار بود. اما هر دو عدالت و آزادی را در پرتو مؤلفه‌ای که از سنخ معنویت است، ارائه می‌کردند. این دو تصویر معنویت را برای ارزشی که والاتر می‌پنداشتند،

می‌خواستند. تفکر کمونیستی معنویت را برای عدالت می‌خواهد و تفکر لیبرالیستی معنویت را برای آزادی می‌طلبد. در این بین انقلاب اسلامی با تأکید بر عبودیت خداوند تصویری از آینده ارائه داد که در آن انسان‌ها بندگان خدا هستند و جهان با معنویت و اخلاق پر می‌شود از صلح و آرامش و رضایتمندی. تصویر انقلاب اسلامی بر اساس اصالت معنویت است و آزادی و عدالت را هم برای شکوفایی معنوی انسان می‌خواهد. مسئله‌ای که در این مقاله می‌کوشیم به آن پاسخ دهیم این است که تصویر انقلاب اسلامی از آینده چیست؟ و معنویت چه نقشی در این تصویر دارد؟

شگفتی سازی انقلاب اسلامی

در نیمهٔ قرن بیستم بحران معنویت به‌وضوح نمایان شده بود و بسیاری از اندیشمندان آن را به‌خوبی شناخته بودند. معنویت در اندیشهٔ غربی به‌تدریج سر برمی‌کشید و آرام‌آرام می‌رفت تا روندها را تغییر دهد و تصویر آینده را بر شالوده‌ای معنوی بسازد. اما اندیشمندان شرق نتوانستند، به‌اندازه کافی معنویت را بپذیرند و انعطاف لازم را از خود نشان دهند، هم از این‌رو به زوال رفتند، ولی تمدن غرب با پذیرش تفسیر معنوی انسان کوشید تصویر آیندهٔ مطلوب را بر شالوده‌ای آشکارا معنوی استوار سازد. در این گیرودار بود که انقلاب اسلامی ایران با سرعت و صراحت معنویت را مطرح کرد و از غرب پیشی گرفت. در دههٔ ۱۹۸۰ اندیشمندان غربی که مدتی بود سرگرم بازاندیشی در تصاویر آینده بودند^{۲۰} و راهی برای نوسازی معنوی تصاویرشان از آینده می‌جستند، ناگهان خود را با تصویری معنوی و قدرتمند از آیندهٔ انسان و جهان روبرو دیدند که توانسته بود، نظم جدیدی را در غرب آسیا برقرار سازد و حساس‌ترین منطقهٔ جهان را از نظر جغرافیای سیاسی تحت نفوذ خود درآورد.

شگفتی سازی انقلاب اسلامی نه در این بود که توانست با نیروی مردم قدرت سیاسی را جابه‌جا کند، و نه در این بود که بر مخازن عظیم منابع زیرزمینی سوار شده بود؛ شگفتی سازی انقلاب اسلامی در این بود که توانست تصویری از آینده معنوی جهان را ارائه دهد که در آن مردم باتکیه‌بر قدرت ایمان می‌توانستند بر ابرقدرت‌های شرق و غرب غلبه کنند و نظم گذشته جهان را به آشوب بکشند و نظمی نوین برپا کنند. در واقع آنچه را که اندیشمندان غربی می‌خواستند و جستجو می‌کردند و خود را پیش‌گام آن می‌پنداشتند، در انقلاب اسلامی ایران دیدند و خودشان را در تعارض منافع با آن یافتند. بی‌تردید سلطه فرهنگی غرب این شکست را نمی‌پذیرفت و در مقابل این تصویر تازه از آینده معنوی می‌ایستاد.

انقلاب اسلامی معنایی جدید از عالم‌و‌آدم عرضه کرد که مردم جهان تشنه آن بودند^{۲۱} و اگر آن را در چهره واقعی‌اش می‌دیدند، شیفته‌اش می‌شدند. نگرانی بزرگ غرب اینجا بود که رهبران انقلاب اسلامی ایران فراتر از مسائل و مشکلات بزرگ و پیچیده داخلی از جذابیت و کارآمدی تصویر آینده در چشم‌انداز معنوی انقلاب اسلامی کاملاً آگاه بودند و بر صدور این تصویر به جهان سخن می‌گفتند.^{۲۲}

رهبران انقلاب از ابتدای نهضت به دنبال ایجاد بینش‌هایی در عموم مردم بودند تا آنان را نه از طریق اقدامات سطحی و تحریک احساسی، بلکه در قالب تحولی درونی و عمیق که منجر به انقلابی در ساختارهای فردی و اجتماعی می‌گردد، دعوت نمایند. از جمله ابزارهایی که امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و آیت‌الله خامنه‌ای (زیدعزه)، به‌عنوان مهم‌ترین استراتژیست‌های انقلاب اسلامی از آن استفاده نموده‌اند، تصویرسازی از آینده، دگرسازی با غرب و خلق هویت معنوی و فراملی برای مردم بود.

۲۱. مقام معظم رهبری، بیانات، ۷۲/۱۰/۲۰.

۲۲. همو، بیانات ۷۲/۱۰/۲۰.

تصویر آینده توسط رهبران انقلاب به طرق مختلفی از جمله سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، صدور فرمان‌های مختلف و... انجام می‌شد.

تصویر آینده در کلام رهبران انقلاب

با تحلیل عبارت‌های ارائه شده در چند بیانیه و سخنرانی مهم از دو رهبر بزرگ انقلاب اسلامی، مضامینی به دست می‌آید که مجموعاً سازنده تصویر کلان انقلاب اسلامی از آینده بوده و در تقابل آشکار با تصاویری است که معنویت غربی از آینده عرضه می‌نماید. در فرایند تحلیل حدود ۲۰ مضمون بدست آمد که در قالب تصویر آینده انقلاب اسلامی ارائه می‌گردد:

«عصر جدیدی در حال پدید آمدن است. نمود آن افزایش تقابل خیر و شر است. همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکل‌های مختلف بر مردم جفا کرده‌اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده‌اند و انسان‌ها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده‌اند؛ اما امروز این ظلم و جور بیش از همیشه است و رفع ظلم با ظهور مهدی موعود محقق می‌شود. امام‌زمان به‌تنهایی دنیا را پر از عدل و داد نمی‌کند؛ او از با تکیه به مردم پالیمان بنای عدل را در سرتاسر عالم استوار می‌سازد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد. انقلاب اسلامی سرآغاز راهی است که به ظهور منجی عالم بشری منتهی می‌شود. انقلاب اسلامی یک موجود زنده، بارآده، منعطف، قدرتمند و درعین حال مظلوم، و برخاسته از فطرت بشر است که در امتداد حرکت تاریخی انبیا و ائمه شکل گرفته و عصر جدیدی را در مناسبات جهانی رقم زده و آرمان‌نهایی آن دستیابی به حیات طیبه و شکوفایی معنوی انسان و برافراشتن پرچم عبودیت الله است. انقلاب راه خود را خواهد پیمود و روحیه جهادی لازمه حرکت در این مسیر است. در راه تحقق آینده‌ای که در آن معنویت و اخلاق، استقلال و آزادی، عدالت و... فراگیر می‌شود؛ با دشمنی مواجه هستیم که از گسترش انقلاب و قدرت‌یافتن نظام بیمناک است و روش‌های مختلف را برای ضربه‌زدن به نظام استفاده می‌کند. رشد علمی اگر همراه با معنویت و اخلاق باشد، ما را در برابر دشمنان مردم و معنویت توانمند خواهد کرد و زمینه تحقق آینده مطلوب را فراهم خواهد ساخت. پیشرفت انقلاب اسلامی و برقراری نظامی

قدرتمند و عدل‌گستر، ابتدای روزهای امیدآفرینی است که با ظهور منجی بشریت مستدام خواهد شد.»

در این تصویر آینده جهان بر سر هیچ دوراهی قرار ندارد، بلکه یک مسیر قطعی و هدف حتمی وجود دارد که بی‌تردید تحقق خواهد یافت و آن پایان ظلم و برقراری عدالت و آزادی است که با ظهور منجی جهانی محقق می‌شود. انقلاب اسلامی سرآغاز حرکتی است که با دانش آمیخته با معنویت و اخلاق پیش می‌رود. دانش آمیخته با اخلاق موجب پیشرفت و قدرتمندی انقلاب اسلامی است. دشمنانی وجود دارند که از انقلاب بیمناک‌اند و با روش‌های مختلف به آن ضربه می‌زنند. اما این انقلاب در امتداد حرکت انبیای الهی است و تداوم آن به ظهوری منتهی خواهد شد و نیروی اجتماعی این حرکت، مردم و جوانان هستند که با دانش آمیخته با معنویت قدرتمند می‌شوند و انقلاب را تا ظهور پیش می‌برند.

مزیت‌های این تصویر چند مورد است: یکم، این تصویر آینده با رسالت پیامبران پیوند خورده است که به این تصویر اصالت و تقدس می‌بخشد. مزیت دوم، ابتناء این تصویر بر معنویت فطری است که هر انسانی در خودش میابد و کاملاً باورپذیر است. معنویتی که بر ضعف وجودی انسان و وابستگی به قدرتی متعال تأکید می‌کند. مزیت سوم حتمیت وقوع آینده‌ای روشن است. البته این حتمیت ممکن است به یک نقطه ضعف تبدیل شود. آنگاه که آینده بدیل را کم‌رنگ کند و احساس تهدید و خطر را برای حرکت به سوی آینده مطلوب از بین ببرد. ما به برجسته‌سازی آینده بدیل و نامطلوب نیاز داریم. آینده‌ای که با تأخیر در ظهور و تداوم نظام سلطه و ظلم رخ می‌دهد. ترس از ناکامی و رنج یک عامل برانگیزنده قدرتمند برای مبارزه و پایداری است و باید آینده بدیل به‌خوبی در این سناریو روشن شود.

جمع‌بندی

تصویر انقلاب اسلامی از آینده معنوی جهان واقع‌گرایانه و فطری است. این تصویر دقیقاً در جهت نیازها و ضرورت‌ها و خواسته‌های انسان دوران رنج و تاریکی است که از هر سو در بحران گرفتار شده است. این تصویر از یک سو با اتفاقی شگفت‌انگیز و معجزه‌آسا ترکیب شده و از سوی دیگر برای مردم نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق آینده مطلوب در نظر می‌گیرد. با این حال به نظر می‌رسد که مردم در طول این سال‌ها و ارزیابی مسیر حرکت انقلاب اسلامی برآورد مثبتی از حرکت به سوی این آینده مطلوب ندارند. احساس فراموش شدن این آینده از سوی مسئولان نظام و کم‌رنگ شدن اهمیت و امید به آن در بین مردم، موجب فرسایش این تصویر شده است.

منابع:

معنویت‌رهایی بخش: پژوهشی درباب معنویت با تکیه براندیشه‌های مقام معظم رهبری، حمید رضا مظاهری سیف، ناشر: صهبای یقین، ۱۳۹۳

مقام معظم رهبری، بیانات، ۲۰/۱۰/۷۲

رویارویی تصاویر آینده

جهان غرب و تمدن لیبرال سرمایه‌داری تصویری را از آینده جهان ارائه می‌کند که در آن عناصر معنوی را جای‌داده است. همچنین انقلاب اسلامی تصویری را از آینده جهان ارائه می‌دهد که مبتنی بر معنویت است. این دو تصویر در تقابل با هم هستند و هر یک دیگری را برنمی‌تابد. این تقابل به عناصر و اجزائی برمی‌گردد که در هر یک از این تصاویر گنجانده شده و قابل جمع نیستند. این عناصر شاخص‌های هویتی دو تصویر را می‌سازند. آگاهی جهانی میدان رویارویی تصاویر آینده است که یکی از سوی کانون‌های فرهنگ‌سازی تمدن غرب به رهبری ایالات متحده و دیگری از سوی تمدن نوظهور اسلامی به رهبری ایران عرضه می‌شود.

این مقاله به بررسی تطبیقی^{۲۳} تصویر آینده معنوی از دیدگاه انقلاب اسلامی و معنویت‌گرایی غربی می‌پردازد. برای این کار از مدل کری واک^{۲۴} استفاده می‌کنیم. در این مدل برای مطالعات تطبیقی چارچوبی^{۲۵} برای هم‌سنجی و تطبیق در نظر گرفته می‌شود. تا بر اساس آن تفاوت‌ها و شباهت‌ها بررسی شود. چارچوب شاخص یا معیاری است که موضوعات مورد مقایسه بر اساس آن هم‌سنجی می‌شوند. آن می‌تواند یک تعریف یا حتی پرسش باشد که دامنه هم‌سنجی را تعیین می‌نماید. در اینجا دو عنوان چارچوب مرجع را شکل می‌دهد. یکم، باورپذیری؛ دوم، بازنمایی. علت انتخاب این دو عنوان این است که تصویر آینده اگر از سوی عموم مردم پذیرفته شود به واقعیت اجتماعی تبدیل می‌شود. برای این منظور لازم است که اولاً باورپذیر باشد، دوم اینکه از طرق مختلف به‌قدری بازنمایی و تکرار شود تا کاملاً در آگاهی جمعی پذیرفته شود و به‌صورت یک باور عمومی درآید. مسئله ما این است

23. comparative

24. Kerry Walk

25. Walk, K; How to Write a Comparative Analysis

26. Frame of reference

که کدام یک از آینده‌های ارائه شده از سوی انقلاب اسلامی و معنویت‌گرایی غربی موفق خواهند بود. برای رسیدن به پاسخ این پرسش مؤلفه‌های بنیادین هر دو تصویر از آینده را بر اساس چارچوب مرجع ارزیابی می‌کنیم.

محوریت خدایا محوریت انسان

در تصاویر برساخته تفکر نوین از آینده، محور تمام حرکت‌ها «انسان» است. در واقع در سیر تاریخی که تا به امروز طی شده است، انسان توانسته است قدرت خلاقیت خود را شکوفا سازد و اکنون در آستانه تبدیل شدن به قادر مطلق قرار دارد. برای تحقق این امر صرفاً یک ارتقای چارچوب فکری^{۳۷} نیاز است. انسان عصر جدید سبک زندگی خود را بر این اساس تنظیم کرده و زیست فردی و اجتماعی‌اش تجلی قدرت مطلق است. او می‌تواند با دانسته‌های خود، بهشت را روی زمین خلق کند و عمر نامحدودی را برای خود ایجاد نماید تا از این طریق به هر چه می‌خواهد دست یابد. انسان در اندیشه تفکر نوین همان خداست و تنها مانع تحقق خدایی او باورهای محدودکننده است. به نظر می‌رسد که این تصویر چندان قابل‌پذیرش نیست. انسانی که با تمام وجود ضعف‌های خود را احساس می‌کند و درد و رنج و ناکامی را نمی‌تواند از زندگی‌اش حذف کند، چطور باور می‌کند که روزی به قادر مطلق و فرمانروای کائنات تبدیل خواهد شد؟

در مقابل، تصویر انقلاب اسلامی از آینده با محوریت «خدا» پیش می‌رود. انسان می‌تواند از طریق انطباق با اراده الهی به منبع قدرت نامحدود الهی متصل شود و اراده الهی را در زمین تحقق بخشد. اراده‌ای که به نجات مستضعفان و پایان ظلم و سلطه‌گری تعلق گرفته است. انقلاب اسلامی تجلی اراده الهی و در امتداد ولایت انبیا و ائمه رخ داده است و ظهور اجتماعی عبودیت الله در جامعه می‌باشد. این تصویر با فطرت الهی سازگارتر است و

انسان‌ها تمایل دارند که باتوجه‌به ضعف‌ها و ناتوانی‌هایشان در پناه قدرت الهی قرار گیرند و حمایت و یاری او را داشته باشند.

ظهور قدرت انسان یا ظهور منجی

تصویری که تفکر نوین از آینده ارائه می‌دهد، نوع انسان را دارای قدرتی بین‌هایت می‌داند. این قدرت در خدمت تأمین منافع شخصی هر فرد قرار گرفته و تعارضات منافع را با القای حس مهربانی و عشق‌ورزیدن رفع می‌نماید. قدرت مطلق واحدی وجود ندارد و همه انسان‌ها به‌صورت متکثر دارای توان نامحدود هستند. انسان‌ها می‌توانند هر آنچه را که دوست دارند، مطابق امیال شخصی خود پدیده آوردند و جای این سؤال باقی است که اگر هر انسانی دنبال امیال و خواسته‌های خود باشد و رسالت خود را تحقق بخشیدن به امیالش در زندگی این جهانی بداند، دنیا چگونه جایی خواهد شد و چه وضعیتی خواهد داشت؟ صرف اینکه بگوییم با رشد آگاهی دیگر تعارضی میان خدایان نخواهد بود و امکانات بی‌نهایت در اختیار هر خدایی قرار دارد، قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد.

انسان عصر انقلاب اسلامی در مدار توحید قرار دارد و به دنبال تحقق اراده الهی بر روی زمین است و در همین مدار توحیدی انسان‌ها به وحدت و همدلی می‌رسند. تحقق اراده الهی امیال و اراده انسان‌ها را به هم می‌پیوندد و جهانی یکپارچه و سرشار از صلح و بخشش و آرامش رقم خواهد زد. ساختارهای اجتماعی در جامعه‌ای که به‌سوی گرد هم‌آیی انسان‌های موحد و هم‌آرمان پیش می‌رود، ارزش‌های والای معنویت، عقلانیت و عدالت را پذیرفته است و زمینه ظهور منجی عالم را فراهم می‌نماید.

سیر تاریخ حیات اجتماعی بشر

تمام تصاویر آینده برای اینکه مورد پذیرش عموم مخاطبین قرار گیرند، خوانشی از تاریخ ارائه می‌دهند که با آینده مطلوبشان مطابق باشد. تفکر نوین از منظر تکامل به تاریخ جهان و انسان نگاه می‌کند و مدعی می‌شود که هوشمندی کائنات در وجود انسان بیشترین تحقق را یافته است و در مراحل بعدی تکامل به نیروی بینهایت درون و آگاهی و هوشمندی نامحدود دست می‌یابد. در نتیجه انسان جدید توانمندی خلق جهان جدید را مطابق خواسته‌هایش خواهد داشت. جهانی که همه در آن غرق در رفاه و صلح و سلامتی هستند.

اما در نگاه انقلاب اسلامی، سیر تاریخ با تقابل حق و باطل پیش رفته و جبهه حق دائماً به دنبال برافراشتن پرچم توحید و شکوفایی معنوی انسان در متن جامعه بوده است. انقلاب اسلامی حاصل این تلاش تاریخی پیامبران و اولیای الهی است و حضرت حجت عج در انتظار است تا آمادگی تحقق جامعه توحیدی و از بین بردن ظلم و فساد در مردم فراهم شود. رهبران انقلاب اسلامی معتقدند ما در نقطه عطفی قرار داریم که می‌توان تجلی توحید در جامعه را رقم زد و زمینه‌های نجات‌بخشی انسان‌ها و ظهور منجی را تسریع نمود و جهانی سرشار از صلح و آرامش و عشق و روشنایی را به لطف الهی ایجاد کرد.

مبارزه در میدان تصاویر آینده

جنگ تصاویر، از مهم‌ترین تقابل‌های عصر امروز است. تصاویر آینده موجب ایجاد کشش‌ها و اقداماتی در زمان حال و خوانش‌های تاریخی ای با فضای مطلوب آینده می‌شود. از این جهت، تصرف تصاویر آینده به جهت غلبه گفتمانی و تمدنی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. معنویت‌های نوظهور با تصویرسازی به دنبال تغییر باورها و ساخت واقعیت اجتماعی در جوامع مختلف هستند. تفکر نوین در این راستا بیشترین اقدامات را انجام داده و

تأثیرات مهمی را در عرصه سیاست‌های بین‌المللی داشته است. اروین لازلو به‌عنوان یکی از رهبران این جریان سال‌ها مسئولیت مشاور رئیس سازمان ملل را داشته و در فرایند تدوین اسناد هزاره (SDGs) که مبنای عمل نظام بین‌الملل برای دهه‌های آتی بوده، تأثیر گذاشته است. این جریان با تشکیل شورای حکمت جهانی از طریق ارائه سیاست‌ها و نظرات مشورتی به نهادهای بین‌المللی آنها را تحت تأثیر قرار داده و در حال ساختن جامعه بین‌الملل بر اساس آینده‌ معنوی مطلوب خویش است.

با تحلیل اقدامات صورت‌گرفته توسط معنویت‌های نوظهور، آشکار می‌گردد که نسخه جدیدی از برنامه‌ نفوذ در کشورهای مختلف در حال اجرا است که می‌توان آن را نفوذ معنوی دانست. در این نسخه از نفوذ، جبهه سلطه‌گر به‌جای دخالت آشکار و مستقیم در کشورها دیگر، دنبال تغییر نگرش مردم و لایه‌های مختلف اجتماعی است که از طریق معنابخشی به زندگی و توجیه معنوی ارزش‌ها و اهداف تمدن لیبرال سرمایه‌داری صورت می‌پذیرد و سلطه‌ غرب را مشروعیت می‌بخشد.

کانون‌های اندیشه‌ساز در تمدن غرب مشغول تلاش‌اند تا در سطوح مختلف تصویر آینده معنوی جهان را در افکار عمومی دنیا تغییر دهند. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «هدف جنگ نرم، تغییر باورهاست. باورها مثل چه چیزی؟... باور به آینده... امید به آینده، اینکه ما بالاخره این‌جور خواهیم شد؛ اینها خیلی مهم است.»^{۲۸} تصویرسازی از آینده، از جمله ابزارهای معنابخش است. کلان تصویر و خرده تصاویری که معنویت غربی از آینده می‌سازد و با روش‌های مختلف به جوامع القا می‌نماید، موجب تأمین اهداف ایالات متحده در عرصه سیاست خارجی و سلطه بر آینده جوامع می‌گردد. آنها را تکنیک‌های القایی می‌کوشند آینده مطلوبشان را برای افکار عمومی مقبول سازند و آن را به واقعیت اجتماعی تبدیل کند. این کار از طریق

۲۸. دیدار رئیس و جمعی از مدیران و مسئولان صدا و سیما ۱۳۹۴/۷/۲۰

سیاست‌گذاری‌های کلان در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، از طریق تئوری‌پردازی و تولید دانش در سطوح علمی و از طریق تولیدات فرهنگی نظیر فیلم و سریال، کتاب‌های عامه‌پسند، سخنرانان انگیزشی و شبکه‌های اجتماعی در سطح عمومی انجام می‌شود.

جمع‌بندی

تصویر انقلاب اسلامی از آینده با اولین عنوان در چارچوب مرجع هم‌سنجی تطابق دارد و باورپذیرتر از تصویر آینده معنوی جهان در معنویت‌گرایی غربی است. اما در عنوان دوم تصویر انقلاب اسلامی امتیاز قابل‌قبولی نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد ما در بازنمایی تصویر مطلوب از آینده معنوی جهان به‌درستی عمل نمی‌کنیم و نسبت به جریان رقیب ضعف داریم. عصر جدیدی در حال پدیدآمدن است. این عصر با تقابل عینی حق و باطل در معناپذیر کردن زندگی انسان مبتنی بر توحید و یا شرک رخ می‌دهد. هر جبهه‌ای که بتواند تصویر خود را از آینده بهتر در افکار و قلوب مردم جای دهد، پیروز خواهد بود.

اکنون که این سطرها پایانی نوشته می‌شود، حماسه بزرگی در غزه در حال وقوع است. به نظر می‌رسد که این رویداد بزرگ در بازنمایی تصویر آینده معنوی جهان از دیدگاه انقلاب اسلامی نقش قدرتمند و بی‌نظیری خواهد داشت. این حماسه بزرگ همچون رسانه‌ای اثرگذار در حال باطل کردن سحر سال‌ها سریال‌سازی و تولیدات رسانه‌ای تمدن غرب برای مقبولیت بخشی به تصاویر آینده معنوی جهان از دیدگاه تمدن غرب است. بی‌تردید الطاف الهی تکلیف را از دوش ما برنمی‌دارد. ما باید در سطوح سیاست‌گذاری، تئوری‌پردازی و عمومی‌سازی تصویر مطلوب از آینده معنوی جهان تلاش کنیم و از فرصت‌هایی که ایجاد می‌شود، برای تقویت جبهه حق بهره‌جوییم.

منابع

1. Walk, K; How to Write a Comparative Analysis
۲. مقام معظم رهبری، بیانات، دیدار رئیس و جمعی از مدیران و مسئولان صدا و سیما ۱۳۹۴/۷/۲۰